

اصلاح قانون کار در مکزیک و مخالفت با آن

هاله صفرزاده

در آخرین ماه های زمامداری دولت کالدرون، با آغاز ماه اکتبر مجلس سنای مکزیک بررسی اصلاحات قانون کار مکزیک را شروع کرد. تعدادی از جوانان معترض و اعضای اتحادیه ها با بستن در مجلس سنا تلاش کردند که از این امر جلوگیری کنند. در دوم اکتبر ده ها هزار نفر در مرکز شهر علیه این اقدام راهپیمایی کردند. در 11 اکتبر بسیاری از اعضای اتحادیه های کارگری در خارج از سنا گرد هم آمدند و اعتراض خود را نسبت به این اصلاحات نشان دادند. پیش تر نیز کارگران کارخانه بزرگ نیسان در مولرو کار را متوقف و شاهراه اصلی شهر را مسدود کرده و به این ترتیب مخالفت خود را با اصلاح قانون کار مطرح کردند. اعتراضات بسیاری از این دست علیه اصلاحات قانون کار در مکزیک صورت گرفته است.

پیشنهاد برای تغییر قانون کار توسط حزب اقدام ملی در سال ۲۰۰۰ ارائه شد. این پیش نویس که مطابق با سیاست های دیکته شده ی بانک جهانی تدوین شده، به حدی ارتجاعی بود که حتی برخی کارفرمایان لیبرال نیز با آن مخالف بودند.

این اصلاحات بر زندگی تمام کارگران اعم از کارگران شرکت های خصوصی، فدرال، ایالتی، شهری و کارکنان فدرال منطقه تأثیر می گذارد. کاهش دستمزدها و افزایش ساعات کار از مهمترین تغییراتی است که در این قانون در نظر گرفته شده است که منجر به مهاجرت بیشتر کارگران خواهد شد. مطابق این قانون کارگران باید با دستمزد ساعتی کمتر از ۷.۵ پزو (دستمزد فعلی) زندگی کنند. یعنی با کمتر از ۶۰ سنت. در مقابل، سود این اصلاحات را که به منظور تشویق سرمایه گذاری انجام می شود، شرکت های امریکایی مانند فورد، و المارت، کیمبرلی کلارک و دیگران می برند که در حال حاضر نقش محوری در اقتصاد مکزیک دارند.

مانوئل فوننتس مونیز، وکیل مکزیکی که اغلب مشاوره هایی در زمینه مسایل کار به اتحادیه های کارگری مستقل و کارگران می دهد، معتقد است تصویب این قانون فقر بیشتر را برای عموم مردم به ارمغان می آورد. وی دلایل زیر را برای مخالفت با تصویب اصلاحات قانون کار چنین عنوان کرده است:

- زیرا به بهانه افزایش بهره وری و سود شرکت، امنیت شغلی فدا می شود.
- به جای ایجاد اشتغال، نیروی کار را ارزان می کند و ساعات کار را افزایش می دهد.
- شرط تداوم اشتغال را بالا رفتن بهره وری فردی قرار می دهد.
- هر گونه قراردادی را منوط به تداوم کار شرکت و یا موسسه اقتصادی می داند. در حقیقت حق اخراج را برای تمامی کارفرمایان به رسمیت می شناسد.

- در این قانون قراردادهای موقت و پرداخت در برابر کار معین به رسمیت شناخته می شود (یعنی دستمزد منعطف) و حتی در موارد تداوم کار این حق را به کارفرمایان می دهد که قرارداد را لغو کنند.
- این قانون قراردادهای سفید امضا را در زمان استخدام، به رسمیت می شناسد.
- اجازه استخدام ساعتی و پرداخت دستمزد را بدون مزایا و حق تخصص می دهد.
- شرکت های پیمانکاری دست دوم را به رسمیت می شناسد و پس از برکناری آن شرکت، قرارداد پیمانکاری نیز ملغی می گردد و شرکت اصلی هیچ گونه تعهدی در قبال کارگران ندارد.
- اجازه اخراج خودسرانه کارگر را به کارفرما می دهد.
- همه انواع حمایت های قانونی را برای حفاظت از کارگران خانگی حذف می کند.
- مجازات کارفرمایانی را حذف می کند که اخراج کارگر را به شکل کتبی اعلام نمی کنند.
- قدرت بیشتری به مقامات وزارت کار برای تصمیم گیری در مورد دادن مجوز ثبت اتحادیه می دهد.
- اجازه می دهد تا کارفرمایان تعیین کنند که آیا اعتصاب شکل بگیرد یا نه.
- اجازه می دهد تا در تعریف اتحادیه کارفرمایان دخالت داشته باشند و ایجاد اتحادیه های سفید شرکتی و همچنین " اتحادیه دولتی را تسهیل می کند.
- اجازه می دهد به قیمت افزایش حوادث در محل کار، بهره وری افزایش یابد و به طور موثر از مجازات کارفرمایانی جلوگیری می کند که با سهل انگاری و غفلت به سلامتی و زندگی کارگران در محل کار آسیب می زنند.
- این قانون انتخاب نمایندگان با رای مخفی کارگران در محل کار را حذف کرده است.
- در این پیش نویس مجازاتی برای سوءاستفاده ی جنسی از کارگران زن در محیط کار در نظر گرفته نشده است.
- در این قانون آمده است در صورت تاخیر در پرداخت دستمزدها به مدت ۱۵ ماه، تنها دو درصد به کارگران بهره تعلق گیرد، در حالی که در حال حاضر بانکها از کارگران برای وام هایشان ۲۷ درصد سود دریافت می کنند.
- این قانون ناقض حقوق بین المللی مانند کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی و حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر "پروتکل سان سالوادور" و پیمان نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار (ILO) در "آزادی انجمن" است.

اتحادیه های کارگری مکزیک به دلایل کاملا متفاوت مخالف اصلاح قانون کار هستند.

به ندرت اتفاق می افتد که هم اتحادیه های دولتی و هم اتحادیه های مستقل مکزیک در مورد چیزی توافق داشته باشند. اما هر دو گروه اتحادیه ها با اصلاحات قانون کار مکزیک مخالفند هر چند که دلایل آن ها بسیار متفاوت است. هم چنین جناح چپ قانون گذاران نیز با آن مخالف هستند.

در مکزیک، دو نوع اتحادیه وجود دارد. یک گروه اتحادیه هایی هستند که توسط دولت و کارفرمایان و حمایت های مالی آنان تشکیل شده اند و گروه دیگر اتحادیه های کارگری مستقل هستند که برای تشکیل و ادامه ی کارشان با مقامات دولتی، کارفرمایان و نیروهای سرکوبگر نظامی و انتظامی و باندهای گانگستری در چالش مدام هستند.

برخی از اتحادیه‌ها مخالف اصلاحات قانون کار هستند به این دلیل که اجرای آن را تقریباً غیر ممکن می‌دانند. برخی از مخالفت‌ها از این جهت است که قانون کار جدید تشکیل اتحادیه‌های مستقل و یا واقعی را به رسمیت نمی‌شناسد و همچنین حق اعتصاب را برای کارگران لحاظ نمی‌کند، در حالی که همراه با آن، محدودیت ۴۴ ساعت کار در هفته را لغو کرده و در عوض انعقاد قراردادهای پیمانکاری، قراردادهای موقت و کار پاره وقت را تایید می‌کند.

برخی اتحادیه‌های دولتی از آن جهت با این اصلاحات مخالفند که کمک دولتی به این اتحادیه‌ها لغو شده است. از آنجا که این اتحادیه‌ها وابسته به این کمک‌ها هستند از ادامه‌ی کار باز می‌مانند. در واقع می‌توان گفت این اتحادیه‌ها، سهم خود را از استثمار می‌طلبند، سهمی که با تصویب قانون کار جدید به خطر می‌افتد. ریشه این اصلاحات پیشنهادی به دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی بر می‌گردد که کارفرمایان مکزیکی برای حذف اتحادیه‌های مستقل طرحی را ارائه دادند.

در این طرح کارگران برای تشکیل اتحادیه مستقل خودشان باید فرمی را تهیه کرده و آن را به هیات سه جانبه‌ای متشکل از کارفرما، اتحادیه رسمی و دولت ارائه دهند. همچنین اسامی کسانی که می‌خواهند کاندیدا شوند باید به تایید این هیات برسد. به این ترتیب اسامی کسانی که برای سازماندهی اتحادیه‌های کارگری مستقل از دولت تلاش می‌کنند به سادگی در لیست سیاه کارفرمایان قرار می‌گیرد. همه‌چهل و شش اتحادیه رسمی (از جمله کنگره کار (CT)، کنفدراسیون کارگران مکزیکی (CTM)، فدراسیون اتحادیه‌های کارگران در خدمت دولت (FSTSE)، اتحادیه معلمان (SNTE EL)، و دیگر فدراسیون‌ها و اتحادیه‌های رسمی عملاً با این اصلاحات مخالفند و بیانیه‌ای در مخالفت با آن امضا کرده‌اند.

اتحادیه ملی کارگران تامین اجتماعی (SNTSS)، به شدت بر حق اعتصاب و تعامل در چانه زنی جمعی اصرار دارد که در اصلاحیه جدید این حقوق کارگران حذف شده است. انگیزه واقعی مخالفت برخی از اتحادیه‌های رسمی از جمله اتحادیه کارگران نفت مکزیکی (STPRM) ممکن است ترس آنان در مورد شفاف سازی حساب‌های مالی‌شان باشد. زیرا روشن خواهد شد که میلیون‌ها دلار از قراردادهای و بودجه دیگر دولتی و همچنین سهمی از هزینه‌های انتخاباتی نامزدها در انتخابات مختلف را دریافت کرده‌اند. هر چند، کارلوس رومرو د شمس، رئیس اتحادیه نفت، نماینده این حزب در مجلس است.

رویکرد اصلی این دسته از اتحادیه‌ها در مخالفت با تصویب این لایحه، از طریق لابی با قانون گذاران است.

اتحادیه ملی کارگران (UNT)، که از چند اتحادیه‌ی مستقل تشکیل شده است نیز تمام اصلاحات پیشنهادی را به شدت محکوم کرده است. آنان فراخوانی برای تظاهرات و تحصن در جلوی ساختمان مجلس داده‌اند. اورزکو مارتینز بندیکت، از مسوولین جبهه کار (FAT) به عنوان یکی از رهبران این اتحاد، توضیح داد که این لایحه با در نظر گرفتن دستمزد منعطف و تعطیلی اتحادیه‌های مستقل و دموکراتیک مخاطرات زیادی را برای زندگی و دستمزد کارگران به ارمغان خواهد آورد.

کنگره حزب انقلاب دموکراتیک (PRD)، حزب کارگران (PT)، و جنبش شهروندان (MC) نیز این لایحه را به شدت حافظ منافع کارفرمایان می دانند.

آندرس مانوئل لویز اوبرادور، نامزد چپ گرای ناموفق در انتخابات اخیر نیز مخالف این لایحه است. او در مصاحبه ای اعلام کرده است که "در حال حاضر آن ها می خواهند حداقل دستمزد را از ۶۰ پزو (حدود پنج دلار آمریکا) برای هشت ساعت کار به ۳۰ پزو برسانند. نمایندگان و سناتورهایی که مخالف این طرح هستند عنوان کرده اند که ابتکار رییس جمهور برای تصویب این طرح در تضاد با ماده ی ۱۲۳ قانون اساسی است. آن ها تصویب این قانون را حمله به حقوق کارگران و مداخله در امور داخلی اتحادیه ها می دانند.

همانند داخل مکزیک، در کشورهای هم پیمانش در نفتا (امریکا و کانادا)، نیز هم کارگران، هم اتحادیه های رسمی و هم برخی از قانون گذاران با این اصلاحات مخالف هستند. البته هر کدام نیز دلایل خاص خود را دارند و به شیوه های خود با هم پیمانانشان در داخل مکزیک همراهی می کنند. این اتحادیه ها و همچنین سازمان های بین المللی کارگری استدلال می کنند که این اصلاحات نقض کنوانسیون های اساسی سازمان بین المللی کار (ILO) است که به شکل نامطلوبی بر حقوق کارگران و چانه زنی جمعی تاثیر می گذارد. در یک کنفرانس مطبوعاتی نمایندگانی از اتحادیه های کارگری مکزیک، کانادا و امریکا مخالفت خود را با این تغییرات اعلام و نگرانی های خود را در تضييع حقوق کارگران مکزیک طی نامه ها و بیانیه هایی به نمایندگان و دیگر مراکز قانونی در کانادا و امریکا اعلام کرده اند.

در اعلامیه ای که تعدادی از اتحادیه های کارگری مکزیک، کانادا و امریکا امضا کرده اند، چنین آمده است:

"...اگرچه بحران جهانی توسط نیروی کار ایجاد نشده، اما آن را به عنوان بهانه ای برای نقض گسترده حقوق کارگران در سراسر جهان مورد استفاده قرار داده اند. در مکزیک، ایالات متحده و کانادا، نقض آزادی تشکل و چانه زنی جمعی را تشدید کرده و بحران مالی بهانه ای شده برای کاهش دستمزدها، مزایا و شرایط کار و با کاستن از خدمات تامین اجتماعی و خدمات عمومی، به دست آوردهای کارگران دست اندازی می کند...

در مکزیک، نیروهای سرکوبگر، شرکت ها و کمپانی های بزرگ سرمایه دار و همچنین سطوح مختلف دولتی هماهنگ با هم، با استفاده از خشونت، ارعابو ضرب و شتم کارگران مانع از ایجاد تشکل های مستقل کارگران شده اند...

ما کمپینی علیه این اقدامات بوجود آورده ایم، اقداماتی نظیر سرقت، آدم ربایی، تبعید، حبس و قتل اعضای اتحادیه ی کارگری مستقل و خشونت رسمی و همچنین اصلاح قانون کار که استثمار فوق العاده ی کارگران مکزیک را سبب خواهد شد..."

و در ادامه ی این اعلامیه به مواردی که قانون کار جدید اشاره شده که به زیان کارگران مکزیکی است و در خاتمه نیز بار دیگر مخالفت خود را با تلاش های نئولیبرالی برای اصلاح قانون کار مکزیکی اعلام کرده اند.

کارگران مکزیکی در پنج سال گذشته با تلاش های خود موفق شده اند که تصویب قانون کار اصلاحی مکزیکی را به تعویق بیندازند. هر چند دولت جدید که در چند ماه آینده قدرت را به دست خواهد گرفت تلاش می کند تا قانون کار در سنا تصویب شود. و به این ترتیب گناه تصویب آن را به گردن دولت کالدرون بیندازد. این چالش بزرگی در پیش روی کارگران مکزیکی ایجاد کرده است.

منبع:

MEXICAN LABOR NEWS AND ANALYSIS – October, 2012, Volume 17, No.10